□ دو نیمه در بهشت

ما، ایتالیا و توهم «قرعه خوب»

امیر پوریا

۱- شنبه در روز اول بازی‌های حذفی جام، ژرمن‌ها بیش از هر روش تاکتیکی، با تکیه بر شیوه برخوردشان با سوئد و تحلیل روانشناسانه‌ای که از روحیه جمعی این تیم داشتند، آنها را مغلوب کردند. انگار کلینزمن می‌دانست که سوئد در این دوره برخلاف روزهای اوجش (مثل جام ۹۴) مشکل بی‌نظمی دارد و اگر شاگردانش همان اوایل بازی بتوانند از این تیم زهرچشم بگیرند و گربه را دم حجله بکشند، سوئد دیگر نمی‌تواند زیاد خطرناک باشد. عین همین اتفاق افتاد و دلیل تداوم حمله‌های آلمان هم این بود که جلوی نظم پیدا کردن سوئد در حملات متوالی را بگیرد و بین تهاجمات بی‌انسجام شاگردان لاگربک، وقفه بیندازد. این در حالی است که بهترین بازیکنان سوئد هم هیچ وقت در این جام به مرز آمادگی و خلاقیت نرسیدند. لیونبرگ خود خودش نبود و آن سرعت و تیزهوشی را نشان نداد، زلاتان ابراهیموویچ حتی شبحی از توانایی‌هایش در یووه را بالای سر نداشت و از آن گل‌های سوررئال جام قبلش به ایتالیا خبری نبود و حتی در لارسن آن خونسردی و اعتماد به نفس وایکینگ‌وار همیشگی دیده نمی‌شد. همین اوضاع بود که موجب شد با یک اخراج و مخصوصاً با خراب شدن پنالتی هنریک لارسن، سوئد دیگر قافیه را ببازد و آن «گربه دم حجله کشتن» آلمان کار خودش را بکند. این کاری بود که انگلیس هم سعی کرد با سوئد بکند و با دفاع بهتر سوئد و شانسی کمتر از آلمان فرصتش را در همان اول بازی به دست نیاورد. یا شاید سوئد هم مثل خیلی از تیم‌های دیگر در بازی‌های آخر شب و زیر نور مصنوعی (به جای آفتاب بازی‌های عصر)، بهتر و روان‌تر بازی می‌کرد و برای همین بیشترین انسجام را جلوی انگلیس داشت. به هر حال، سوای همه حساسیت‌ها و اهمیت باقی ماندن تیم‌های صاحب تاریخچه بازی انتقامی یک‌چهارم بین آلمان و آرژانتین و غیره، یکی از امتیازات فرعی این برد و صعود آلمان این است که باز تی‌شرت‌های کلینزمن را با آن رنگ‌های متغیر در هر بازی و ست کردنش با شلوار، روی نیمکت آلمان می‌بینیم. خب، مربی‌ای که در اولین تجربه‌هایش و در سنی نزدیک به دوران بازی و گلزنی چنین تیم سرحال و هدفمندی ساخته، چرا نباید خوش‌تیپی و جوانی‌اش در قیاس با پیرمردهای سکان‌دار بقیه تیم‌ها را به نمایش بگذارد؟!

۲- ولی همان طور که فکرش را می‌کردیم، آرژانتین اصلاً راحت به یک‌چهارم صعود نکرد. مکزیکی‌ها که اساساً در بازی‌های سخت بهتر کار می‌کنند تا جلوی تیم‌های متوسط و ضعیف، این جا هم حسابی حریف و «پا» بودند و این نظر فقط به زدن گل اول و پیش افتادن از مدعی قهرمانی برنمی‌گردد. مکزیک تا پیش از وقت اضافی دوم تیمی نشان می‌داد که به حضور در یک‌چهارم درست به اندازه آرژانتین اطمینان یا تمایل دارد. برعکس سوئد که زهردار نبود، مکزیک مدام به دوباره فروریختن دفاع و دروازه تیم راه‌راه‌پوش نزدیک می‌شد و البته به بهترین عملکرد ممکن از سوی دروازه‌بانش اسوالدو سانچز هم تکیه داشت. (آن توپی که او در حالتی نامتعادل و با نوک دست چپ از تک به تک ساویولا گرفت، ثابت می‌کرد که خیلی از ضربه‌های - به قول گزارشگران و تائیدکنندگان ابراهیم میرزاپور- «مهارنشدنی»، واقعاً هم این طور نیستند). حتی زیبایی بی‌همتای گل صد درصد فردی ماکسیمیلیانو رودریگز (گفتم اسم کاملش را به خاطر بسپارید؛ چون قاعدتاً خیلی زود از آتلتیکومادرید به باشگاه معتبرتری می‌برندش) تا حد زیادی به شیرجه فوق‌العاده ولی بی‌فایده همین گلر بستگی داشت. کلاً اگر دقت کنیم، هر شوت بلند و ضربه قوس‌دار و امثال اینها بیشتر در صورت شیرجه ناکام دروازه‌بان به خلق تصویری رویایی در قاب تلویزیون بدل می‌شود و لذت تماشای حرکت آهسته آن هم به این شیرجه همان قدر وابسته است که به خود ضربه. اما همین مکزیک انگار بعد از گل دوم حریف یکهو یادش آمد که هیچ وقت جزء تیم‌های رده بالا نبوده و دارد جلوی مدعی جدی قهرمانی بازی می‌کند. کم‌رمق شد، دیگر نتوانست با گرداندن واترپلووار توپ به دور محوطه جریمه تیم پکرمن خطر جدی ایجاد کند، و به آرامش و قناعت رسید. رفتار و خونسردی بازیکنانش در آخر بازی و در حین تعویض پیراهن با آرژانتینی‌ها کاملاً این قناعت یا اتمام بلندپروازی را نشان می‌داد؛ و چه حیف.

۲- و اما امروز ایتالیا که تا حضور در نیمه‌نهایی یک بازی با استرالیا دارد و یک بازی با برنده سوئیس- اوکراین، درست مثل یک هشتم نهایی جام ۲۰۰۲ به وضعیتی دچار شده که خطر آسان گرفتن حریف، بزرگ‌ترین بلای آن است. این توهم که «آتزوری با قرعه خوبی رو به رو شده» می‌تواند آفت ترسناکی باشد و به خصوص جلوی تیم گاس هیدینک یعنی همان مربی‌ای که در جام قبل با کره جنوبی، تیم عزیز ما را حذف کرد، به غافلگیری‌های ناگواری بینجامد. در کنار کابوس هیدینک موذی و مرموز این را هم در نظر داشته باشیم که ایتالیا بدترین بازی مرحله اولش را جلوی تیمی با قدرت بدنی و توان دوندگی و درگیری بالا (آمریکا) انجام داد. خب جنگندگی و نفس تمام نشدنی استرالیایی‌ها را که دیده‌اید؟ می‌گویید آماده سکته باشم؟! یعنی تیم تا آن جا دوام نمی‌آورد که بازی دوستانه نه‌چندان جذاب اخیرش با سوئیس حواس جمع و نتیجه‌گیر و تا حدی شبیه به یونان شگفتی‌ساز ۲۰۰۴ را در یک‌چهارم اصلاح کند؟ یا مثل بازی کم‌دردسر با متوسط‌های امسال چک، اوکراین آشفته و نه‌چندان زهردار را در مرحله بعد حذف کند؟ اگر هنوز در نیمی از ذهنم فکر می‌کنم سکته‌ای در کار نخواهد بود و آتزوری به راهش ادامه خواهد داد، دلیلش فقط و فقط هوش و شعور و سرعت عمل مارچلو لیپی است. (اگر تراپاتونی بالای سر تیم بود، از حالا تخت اورژانس را برای عصر امروز رزرو کرده بودم!). او تنها مربی این سال‌های ایتالیا است که هیچ وقت حتی برای چند دقیقه، طرفداران تیمش را «منتظر» تعویض نمی‌گذارد، هوشمندانه‌ترین تغییر روش‌ها را به کار می‌گیرد (تعویض زودهنگام نستا با ماتراتزی و بعد، گلزنی و «مرد میدان» شدن ماتراتزی در همین بازی اخیر با چک که یادتان هست؟) و البته در برابر هیکلی‌های استرالیا، حتماً بولدوزرهایش (گتوزو، زامبروتا و همین ماتراتزی) را فیکس می‌گذارد. خداوندا امروز را هم به خیر بگذرانیم. یعنی می‌شود؟

امشب؛ بازی سوئیس - اوکراین در شهر کلن

بهترین خط دفاعی جام در برابر «لشکر تک‌نفره»

ترجمه: وصال روحانی

تیم ملی فوتبال سوئیس در گروهی اول شد که فرانسه و کره جنوبی هم در آن قرار داشتند. این یک حسن و موفقیت غیرقابل انکار است، اما به همان میزان توقع‌ها را نسبت به مردان کوبی کان بالاتر برده است و چنان توقع و برداشت و انتظاری در مسابقه امشب سوئیس با اوکراین در ادامه مرحله یک هشتم نهایی جام‌جهانی ۲۰۰۶ در ورزشگاه شهر کلن آلمان در معرض آزمون تازه‌ای گذاشته می‌شود. بالاترین درجه صعود سوئیس در تاریخ جام‌های جهانی، رسیدن به یک‌چهارم نهایی بوده که آخرین مرتبه آن ۵۲ سال پیش شکل گرفت. کان «پیر اما آگاه» می‌گوید: «بله، امکان رسیدن ما به یک‌چهارم پایانی وجود دارد. چرا که نه؟ حسن ما این است که با نهایت اعتماد به نفس به میدان می‌آییم و پس از نتایجی که به دست آورده‌ایم، اوکراین هم به حد کافی روی ما حساب می‌کند و به واقع از ما می‌ترسد.» نتایج مورد اشاره کان کسب دو برد و یک تساوی در گروه هفتم جام است. مهمتر این که سوئیسی‌ها در این ۳ مسابقه حتی یک گل هم نخوردند و دفاع‌شان فوق‌العاده خوب کار کرد و پاتریک زوبر بولر دروازه‌بان سوئیس که تا چند هفته قبل از شروع جام تحت انتقاد شدید رسانه‌های کشورش قرار داشت (و خواستار حذف وی بودند) توانسته است با بسته نگه داشتن دروازه‌اش و تبدیل کردن خط دفاعی سوئیس به بهترین خط دفاعی جام، جواب قاطعی را به منتقدان بدهد. با این حال سوئیس در دیدار امشب فیلیپ سندروس مشهورترین مدافع خود را در خدمت نخواهد داشت. این مدافع ۲۲ساله آرسنالی جمعه شب گذشته که سوئیس ۰-۲ بر کره جنوبی پیروز شد و صعودش را در مقام فاتح گروه هفتم به مرحله بعدی محقق ساخت گل اول را با زیبایی هر چه بیشتر و با ضربه سری قدرتمندانه به ثمر رساند، اما چنان قدرت و شتابی را ضمیمه آن ساخت که هم استخوان شقیقه خود را شکافت و خونین کرد و هم سر مدافع کره‌ای را به شدت رنجور ساخت و فقط ۱۵ ساعت بعد از آن واقعه اعلام شد که سندروس به دلیل آسیب دیدن از ناحیه لیگامان شانه نمی‌تواند در دیدارهای بعدی حاضر باشد. رودلف رودر پزشک ارشد تیم سوئیس گفته است: «سندروس حداقل دو هفته غایب خواهد بود و به او استراحت مطلق تجویز شده است و امکان دارد که حتی نیاز به عمل جراحی هم پیدا کند.»

کان این را پنهان نمی‌کند که غیبت سندروس می‌تواند ضایعه‌ای بزرگ برای تیم سوئیس باشد. با این حال وی می‌گوید: «خب، ما از غیبت او بسیار ناراحتیم، ولی خوشبختانه یوهان دیورو (که از قضا دوست نزدیک سندروس است) توانسته است به خوبی جای او را در مرکز خط دفاعی بگیرد و فکر می‌کنم که موفق ظاهر خواهد شد. حسن اصلی ما این است که قادریم جای هر مهره‌ای را با مهره‌ای دیگر پر کنیم و این به سبب برابری سطح بازی اکثر نفرات تیم با یکدیگر است.»

با این حال خیلی‌ها می‌پرسند که آیا دیورو و سایر عناصر دفاعی سوئیس می‌توانند آندری شوچنکو مرد اول فوتبال اوکراین را مهار کنند یا خیر و آیا در مصاف با او دچار مشکلات لاینحلی نخواهند شد؟ جواب این سئوال هر چه باشد، این نکته محرز و مشخص است که پیروزی ۰-۲ بر کره جنوبی یکی از پدیده‌های بزرگ جام ۲۰۰۲ روحیه قوی سوئیسی‌ها را قوی‌تر کرده است. بین بازی فوق و دیدار مرحله یک هشتم نهایی، سوئیس فقط سه روز وقت استراحت و بازیابی داشته است، اما این مشکل را اوکراین هم دارد که بازی تضمین‌کننده صعودش را غروب روز جمعه در برابر تونس انجام داد و این دیدار را با ضربه پنالتی دقیقه ۷۰ آندری شوچنکو ۰-۱ برد و در مقام تیم دوم گروه (و پس از اسپانیا) راهی مرحله بعدی شد.

■ یک موفقیت بزرگ

اوکراینی‌ها اصولاً برای اولین بار است که به دور پایانی جام‌جهانی رسیده‌اند و از زمان استقلال و بیرون آمدن‌شان از دل شوروی سابق بیشتر از ۱۵ سال نمی‌گذرد و شروع بسیار بدی که در این جام داشتند و طی آن ۰-۴ به اسپانیا باختند، باعث شده که حتی صعود از گروه خود را یک موفقیت بزرگ بشمرند، به واقع خود آنها نیز معترف‌اند که اگر طالب صعودی بیشتر و موفقیتی فزون‌تر هستند و چنانچه می‌خواهند یاران الکس فرای را ببرند باید بسیار بهتر از دیدارهای قبلی خود ظاهر شوند. برد ۰-۱ بر تیم روژه لمه که پیشتر نیز وصف آن رفت، صعود یاران تیموشنکو را به مرحله بعدی به تصویر کشید اما آنها درخشان نبودند و چندان خوب بازی نکردند. این مسئله را اولگ بلوخین نیز پنهان نکرده است. او از نتیجه حاصله راضی اما از نحوه کار مردان اوکراین ناراضی بوده است. با این وجود وی می‌گوید: «بهتر است افکار خود را جمع و متمرکز و با تمام وجود تلاش کنیم تا شانسی برای صعود بیشتر به مرحله بعدی داشته باشیم. تلاشی که تاکنون داشته‌ایم فقط برای صعود تا این مرحله کفایت می‌کرده است و برای این مرحله به بعد کافی نخواهد بود. با این حال مشکلی نیست، زیرا امید آخرین چیزی است که می‌میرد.» این امید را مثل معمول «شوا» باید بر روی دوش خود حمل کند. خیلی‌ها می‌گویند او ۷ سال پس از انتقال سرنوشت‌سازش از دینامو کی‌یف به میلان و ۵۰ روز پس از انتقال پرسروصدایش از سن‌سیرو به چلسی آن مهاجم تابناک ۵، ۶ سال پیش نیست، اما چه این فرضیه صحت داشته باشد و چه خیر، او تمام دار و ندار تیمی است که پرتلاش و مصمم نشان می‌دهد، اما فن بالایی ندارد و حتی سرگئی ربروف زوج مشهور سال‌های دور «شوا» را فقط سایه‌ای از گذشته درخشانش می‌یابد. پیروزی ۰ - ۴ بر عربستان در دومین دیدار اوکراینی‌ها در گروه هشتم جام بیش از آنکه از توانایی و مهارت غیرقابل کنترل اوکراینی‌ها برخیزد، از ضعف غیرقابل انکار شاگردان پاکتا نشأت گرفت و با این حساب بدیهی است که تا شوچنکو جرقه نزند، اوکراین شانسی برای غلبه بر تیم کوبی‌کان نخواهد یافت. حتی در همان مسابقه با عربستان نیز شوا یک گل جالب با ضربه سر به ثمر رساند و یک مرتبه دیگر هم با استارت انفجاری‌اش یک گل را برای کالینیچنکو پایه‌گذاری کرد و این بازیکن انتخاب شدنش به عنوان مرد برتر مسابقه را مدیون شوا بود.

به رغم تمام این توضیحات انتظار نداشته باشید که بلوخین در تعریف و تمجید از شوچنکو راه افراط و مبالغه را در پیش گیرد. گوش چپ بسیار سریع و «فرفره‌مانند» دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ فوتبال اتحاد شوروی سابق و برنده توپ طلای ۱۹۷۵ اروپا برعکس مدعی است که اوکراین را با نگاه به شوا نباید لشکری تک‌نفره توصیف کرد. «از من نخواهید نام فقط یک نفر را بیاورم. این تیم ما است که به یک هشتم نهایی رسیده است و نه فقط یک نفر و اگر برده‌ایم، همگی برده‌ایم و باخت‌مان نیز گروهی بوده است، نه فردی.»

■ یادتان باشد

روزی که اوکراین به دست اسپانیا له شد، بلوخین وادار شد از تمام اوکراینی‌ها به‌خاطر همت ناچیز شاگردانش عذرخواهی کند. در چنان روزی حتی شوا هم گم بود و هیچ کاری را صورت نداد. آن مقدمات همان‌طور که پیشتر نیز گفتیم، شکست احتمالی در برابر سوئیس را یک باخت جلوه نمی‌دهد. بلوخین با چنین نگرشی می‌گوید: «یادتان باشد این اولین حضور ما است و رسیدن تا این مرحله یک افتخار بزرگ محسوب می‌شود و من به‌خاطر آن به تمام مردم اوکراین تبریک می‌گویم و امیدوارم که از این پس توقعات از ما معقول باشد.»

اما سوئیس همان‌طور که پیشتر آمد به این حد راضی نیست. هاکان یاکین پس از ۹ ماه غیبت در میادین ملی که محصول مصدومیتی مزمن بود، در برابر کره چنان خوب بازی کرد که کوبی‌کان به وضوح فهمید بر تعداد گزینه‌ها در خط میانی تیمش یک نفر دیگر افزوده شده است و این همان خطی است که سوئیس پیش از این لودویک مانین خلاق را هم در آن در خدمت خود می‌دید. چه چیزی برای سوئیس از این بهتر که مانین و همچنین مارکو استره‌لر در دیدار با کره جنوبی روی نیمکت نشستند تا برای بازی با اوکراین سرحال بمانند؟

در عین حال هیچکس منکر این نیست که ضعف در تمام‌کنندگی و گل نکردن فرصت‌های عالی، یک کاستی آشکار در تیم سوئیس بوده و این تیم در اکثر دیدارهایش چندین و چند فرصت را به هدر می‌دهد. اگر سوئیس این مشکل را حل کند و الکس فرای راحت‌تر و بیشتر گل بزند و استره‌لر در این زمینه یاور او باشد و والون بهرامی در هیئت «یک ذخیره مفید» به موقع به میدان بیاید امیدهای سوئیس برای شکست دادن اوکراین و رسیدن به یک‌چهارم نهایی بیشتر خواهد شد.

با این حال تاریخ پرحادثه جام‌های جهانی و حتی رقابت‌های جاری به ما گوشزد می‌کند که هیچ رویداد و نتیجه‌ای را قطعی نشمریم و برای تماشای این مسابقه صبر کنیم و فقط این را توضیح بدهیم که تیم برنده این دیدار در مرحله بعدی با فاتح نبرد ایتالیا- استرالیا رو در رو خواهد شد.

گلادیاتور زخمی

فرانچسکو توتی به هیچ‌وجه روزهای پرفروغی را در جام‌جهانی پشت سر نمی‌گذارد. حضورش چندان در میدان به چشم نمی‌آید و مثل همیشه در تورنمنت‌های بزرگ برای آتزوری توقعات هواداران را برآورده نمی‌سازد. با اینکه هم‌تیمی‌هایش در تیم، از عملکرد او دفاع کرده‌اند اما رسانه‌ها و روزنامه‌های این کشور به شدت از نمایش‌های گلادیاتور رم انتقاد می‌کنند. یک نکته روشن است و آن اینکه مرد شماره ۱۰ ایتالیا، هنوز به مرز آمادگی کامل، پس از مصدومیت سنگین فصل پیش نرسیده است. این مسئله‌ای است که شخصاً توتی به آن معترف است. در آخرین گفت‌وگویش با رسانه‌های ایتالیا، صریحاً اعلام کرد که او در هفتاد درصد آمادگی قرار دارد و به همین سبب است که فاصله بسیاری بین «آن» توتی معجزه‌گر و همه‌کاره و «این» توتی کم‌اثر و نه چندان آماده وجود دارد. در این میان مارچلو لیپی با اینکه در هر سه دیدار تیمش از توتی به عنوان بازیکن اصلی ایتالیا بهره برده، اما خود نیز کاملاً به این نکته آگاه است که توتی هنوز روی فرم نیست. سرمربی اسبق یوونتوس در این پیکارها برای رسیدن به موفقیت حساب خاصی روی او باز کرده... اما سیمونه پروتا هم‌باشگاهی‌اش در المپیکو در مورد شرایط کاپیتانش می‌گوید: «فرانچسکو شرایط مطلوبی دارد و لبالب از میل و انگیزه برای رسیدن به موفقیت است. نکته‌ای که باید به آن اعتنا کرد این است که او هنوز در آمادگی ایده‌آل و کامل به سر نمی‌برد و همین سبب شده تا او آنچنان که انتظار می‌رود در این جام ندرخشد. توتی یک فوتبالیست معمولی نیست.» در حالی که از اردوی ایتالیا خبر می‌رسد تعداد زیادی از مهره‌های این کشور از اینکه لیپی تیم را براساس حضور توتی ناآماده پی‌ریزی کرده، شاکی و ناراحتند اما پروتا این مسائل را کذب محض می‌داند: «اینها همه دروغ است. هیچ برخورد تندی از طرف بازیکنان با توتی صورت نگرفته است. در تیم ما دودستگی وجود ندارد. همه ما از او حمایت می‌کنیم.»

ماجراجویی ستاره‌های سیاه

ستاره‌های سیاه برای ادامه ماجراجویی‌های خود به مصاف برزیل مدافع عنوان قهرمانی خواهند رفت. غنا تیمی که در دور مقدماتی با نتایج و نمایش تحسین‌برانگیزش چشم‌ها را خیره کرده، می‌داند که کار سخت و دشواری در برابر سلسائو بر عهده دارد. با اینکه غنا اولین حضورش را در جام‌جهانی تجربه می‌کند اما آنها هنوز در جست‌وجوی راهی برای پیروزی هستند تا بتوانند تا آنجا که می‌توانند در جام‌جهانی پیش بروند. حتی اگر در سر راهشان با فوق‌ستاره‌های برزیلی برخورد کنند. راتومیر دویکوویچ سرمربی صرب‌تبار ستاره‌های سیاه در خصوص بازی حساس و حماسی تیمش برابر برزیل می‌گوید: «من به بازیکنانم ایمان دارم. حقیقتاً توانایی‌های آنها را ستایش می‌کنم و این را صریحاً می‌گویم که ما به حضور در این مرحله قناعت نخواهیم کرد. بله. خب کار بسیار سختی است مهار کردن این همه ستاره برزیلی در میدان مسابقه... اگر رونالدینیو را مهار کنید، به روبرتو کارلوس خواهید رسید. او را کنار بزنید، روبینیو به سراغتان می‌آید. اگر از روبینیو یک ناکام بسازید، آن وقت کاکا را خواهید داشت. پس همانطور که می‌بینید، ما در این راه وظیفه‌ای به غایت سخت برای متوقف ساختن چنین تیم نیرومندی داریم.» سرمربی موفق تیم شگفتی‌ساز جام‌جهانی ۲۰۰۶ در ادامه می‌افزاید: «اما نکته‌ای که سبب امیدواری ما شده، این است که برزیل دیگر مانند گذشته روان و زیبا و هماهنگ بازی نمی‌کند. آنها از منظر توانایی‌های فردی و تکنیکی غنی هستند، ولی وقتی صحبت از بازی گروهی می‌شود، با سئوال‌ها و تردیدهای بیشماری مواجه می‌شویم. من از نمایش شاگردانم خرسندم. بازیکنان غنا نه تنها از کشورشان که از تمامیت فوتبال آفریقا حمایت کردند. نتایج آنها تا این مرحله، قابل ستایش و تمجید بوده، و امیدوارم در برابر برزیل بتوانیم رویایمان را عملی سازیم.»

هولیه یا اونیل

استرالیا با گاس هیدینک جام‌جهانی رویایی را تجربه می‌کند. صعود به مرحله یک شانزدهم نهایی و نبرد با ایتالیا صاحب اعتبار در این مرحله دستاورد ویژه‌ای برای «ساکروس» است. اما نکته‌ای که سبب تشویش و نگرانی اتحادیه فوتبال استرالیا شده، کناره‌گیری گاس هیدینک از تیم ملی پس از جام‌جهانی است. هیدینک که نمایش حیرت‌انگیزی با استرالیا داشته، قرار است بعد از اتمام جام‌جهانی رهسپار روسیه شود تا این تیم را برای حضور در جام‌ملت‌های اروپا ۲۰۰۸ آماده کند. در این میان، اتحادیه فوتبال این کشور در تب و تاب یافتن جانشینی است که بتواند این تیم را در مسیر جدیدش که باید با تیم‌های آسیایی رقابت کند در شرایط کنونی‌اش حفظ کند. اما سران اتحادیه در نظر دارند تا ۱۶ آگوست که این کشور باید از سری رقابت‌های مقدماتی جام‌ملت‌های آسیا به مصاف کویت برود صبر کنند و موقتاً گراهام آرنولد دستیار هیدینک را بر روی نیمکت بنشانند. جان اونیل دبیر اجرایی این اتحادیه می‌گوید: «برای یافتن جانشین هیدینک پروسه‌ای دقیق و حیاتی در جریان است. مدنظر ما یافتن شخصی است با بالاترین توانایی و قابلیت... هدف نخست ما برای جانشینی گاس هیدینک، ژرار هولیه است. در جست‌وجوی جلب نظر او هستیم. در کنار چنین نامزدی، به دنبال شرایط دیگر مربیان بااعتبار نیز خواهیم بود. اما چیزی که باید به آن توجه کرد این است که قصد نداریم با گماردن شخصی به جای هیدینک، سبب دگرگونی شرایط کنونی تیمی شویم که در میدان مسابقه در بهترین فرم حضور می‌یابد. گمان نمی‌کنم که موفق شویم تا پیش از دیدار با کویت در مرحله مقدماتی جام‌ملت‌های آسیا، جانشین ایده‌آل هیدینک را بیابیم.» گفتنی است مارتین اونیل سرمربی صاحب سبک و پرآوازه اهل ایرلند شمالی فوتبال جزیره، نیز از نامزدهای اصلی احراز چنین پستی است.

ترزگل و همان نقش قدیمی

حضور دیوید ترزگه در ترکیب اصلی فرانسه، سیمای بهتری به خط حمله این تیم داد. حضور ترز - گل در کنار همبازی قدیمی‌اش در موناکو و تیم ملی فرانسه تیری آنری، نیروی تهاجمی آبی‌ها را افزایش داد. این تیم اکنون برای صعود به مرحله یک‌چهارم نهایی مسابقات باید از سد قدرتمندی چون اسپانیا گذر کند. برعکس فرانسه که تنها با یک پیروزی بازی‌های مرحله گروهی‌اش را به پایان رساند، اسپانیا با رکورد ۱۰۰ درصد پیروزی به مصاف فرانسه می‌رود. مهاجم یک متر و ۹۰ سانتی‌متری یوونتوس در این خصوص می‌گوید: «اسپانیا مدت‌ها است که پیروز می‌شود و به بردن عادت کرده. در برابر این تیم آزمون بسیار سخت و طاقت‌فرسایی را پیش روی خواهیم داشت. اما با تمام توانایی‌ها و قابلیت‌های اسپانیا، ما پتانسیل کافی برای کنار زدن شاگردان آراگونس را داریم.» مهاجم گلزن فرانسه، که در دو بازی نخست کشورش با بی‌اعتنایی ریموند دومنک مواجه شد، ادامه می‌دهد: «هنوز فرانسه واقعی و قهرمان را به معرض نمایش نگذاشته‌ایم. شما هنوز فرانسه حقیقی ما را ندیده‌اید. تیمی که می‌تواند نیرومندترین‌ها را در جام مغلوب کند. تا اینجای بازی‌ها بازیکنان فرانسه و آنهایی که جزء ستاره‌های ارزشمند ما محسوب می‌شوند، تمام توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را بروز نداده‌اند. در دو بازی اولمان در برابر سوئیس و کره به مشکل برخوردیم، اما پس از پیروزی برابر توگو، به جاده موفقیت باز خواهیم گشت. از نظر من اسپانیا یکی از مدعیان اصلی برای تصاحب عنوان قهرمانی است. در این موضوع کوچک‌ترین تردیدی ندارم. ولی نکته‌ای که سبب امیدواری ما برای نتیجه‌گیری می‌شود این است که اسپانیا از آن دسته از تیم‌هایی نیست که بسیار بسته فوتبال بازی می‌کنند. این کشور همواره تیمی داشته که به فوتبال روان و باز علاقه دارد. همین موجب می‌شود که درصد نتیجه‌گیری ما در برابر آنها بیشتر شود.»

□ نگاه

کوتاه، بلند، فاجعه

در مرحله مقدماتی جام ۲۰۰۶ هیچ دروازه‌بانی به اندازه ابراهیم میرزاپور از مدافعانش پاس زمینی دریافت نکرد و شگفتا با وجود اینکه یکی از همین پاس‌ها در حقیقت شوم‌ترین اتفاقی بود که موجبات شکست و به هم ریختن و سرانجام حذف همه امیدهای ایران شد. در هر دو بازی بعدی نیز همین پاس‌ها تکرار شدند. به هر حال هر چند به اعتقاد اکثر کارشناسان هیچ یک از رقبای میرزاپور در حد و اندازه‌ای نبودند که جای او را - با همه ضعف‌ها و شرایط روانی‌اش - بگیرند، او نتوانست ستاره قفس توری ایران باشد و با همه تلاش‌های او و حتی درخشش در بازی با پرتغال - به گواهی رسانه‌های پرتغال و نه روزنامه‌های جوزده ورزشی ایران - کسی نمی‌تواند او را به خاطر نقشی که در گل دوم مکزیک و تیر خلاص دردناک به قلب امید ایران داشت، ببخشد. نکته اینجا است که اکثر و شاید همه پاس‌های زمینی به دروازه‌بان ایران- که اتفاقاً بلندقدترین بازیکن ایرانی هم بود - از سوی کوتاه‌قدترین بازیکن حاضر در جام‌جهانی ارسال شد و هیچ کس هم به این فکر نکرد که شاید این همه پاس، این همه تکرار یک عمل وحشتناک چیزی جز یک مسئله روانی نباشد. یک روانشناس عقیده دارد وابستگی حسین به ابراهیم بود که باعث آن اتفاق تلخ بازی مکزیک شد. با وجود تفاوت قدی که میان ابراهیم و حسین وجود دارد - حداقل ۵ سال هم تفاوت سنی دارند - این دو اینقدر با همدیگر دوست هستند که شاید عملاً حسین کعبی به ابراهیم میرزاپور مثل تکیه‌گاه و برادر بزرگتر می‌نگرد و در شرایط بحرانی و حساس هیچ کس را پررنگ‌تر از او نمی‌یابد. بازیکنان تیم ملی ایران هر کدام از یک باشگاه هستند، کمتر باشگاهی دو بازیکن در این تیم دارد. اگر هم اینطور باشد معمولاً پست آن دو متفاوت است. ابراهیم و حسین اما علاوه بر اینکه هم‌باشگاهی هستند پستشان نزدیک و در ارتباط با هم است. سال‌ها است که کعبی و میرزاپور در فولاد هم‌بازی هستند، وقتی قرار است در اردوگاه تیم ملی بازیکنان دو به دو هم‌اتاقی شوند نیز انتخاب ابراهیم کسی جز حسین نیست... در حالی که به نظر نزدیکی روحی و دوستی عمیق بین بازیکنان راهگشا و کمک‌کننده است، در فضای پرمشکل تیم ملی دوستی این دو نیز به اینجا رسید؛ شکست!

■ آسیب‌شناسی پخش فوتبال ایران و مکزیک از تلویزیون ایران

پخش بازی‌های جام‌جهانی فوتبال نه تنها در جهان بلکه در ایران نیز همواره با استقبال بسیاری روبه‌رو بوده است. براساس نظرسنجی‌های سال‌های گذشته بیش از نود درصد مردم در شهرهای بزرگ این مسابقات را از شبکه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی تماشا کرده‌اند. پخش بازی‌های فوتبال در این دوره از جام‌جهانی که تیم ملی ایران نیز در آن حضور داشت بی‌شک مخاطبان بسیاری را پای تلویزیون‌ها جمع کرد. اما پخش مستقیم فوتبال خارجی در ایران همواره با مشکل حذف برخی نماهای به ظاهر غیرقابل پخش روبه‌رو است. این حذفیات شامل صحنه‌های مربوط به هیجانات تماشاگران حاضر در استادیوم است. این صحنه‌ها معمولاً با صحنه‌های از پیش آماده شده جایگزین می‌شوند و در اغلب موارد زمان تصاویر جایگزین شده با صحنه‌ای که «نامطلوب» فرض می‌شود، یکسان نیست و به این ترتیب لحظاتی از بازی نیز از دست می‌رود.

■ دستگاه‌های تاخیرانداز

در سال‌های اخیر صدا و سیما برای پخش زنده بازی‌های فوتبال که بیشترین تماشاگر را در میان جوانان، به ویژه مردان ۲۰ تا ۳۰ سال دارد، از دستگاه‌های تاخیرانداز استفاده می‌کند. این دستگاه‌ها براساس تنظیم کارگردان پخش، می‌توانند تاخیر لازم برای اعمال تغییرات در مورد «صحنه‌های نامطلوب» را ایجاد کنند. به عبارت دیگر با یک تاخیر یک تا دو دقیقه، خروجی تصاویر بر اساس مواد از پیش ضبط شده یا بلافاصله تدوین شده، بر روی آنتن می‌رود. مواد از قبل ضبط شده شامل «صحنه‌های مطلوب» پیش از آغاز یا حین بازی است تا در موقع لزوم پخش شوند. در این موارد قاعدتاً زمان، موضوع و مشخصات این صحنه‌ها نیز در اختیار کارگردان قرار می‌گیرد تا به سرعت بتواند از میان آنها مناسب‌ترین صحنه‌ها را برای جایگزین کردن انتخاب کند. از سوی دیگر صحنه‌های گل نیز ضبط می‌شوند تا در صورت نیاز به جای «صحنه‌های نامطلوب»، به روی آنتن بروند. دامنه چنین «صحنه‌های نامطلوبی» گاه از نماهای نزدیک از شادی تماشاگران دختر حاضر در استادیوم تا نماهای دور را شامل می‌شود. نه دقیقه و چهارده ثانیه در بازی ایران و مکزیک که روز یکشنبه ۱۲ خرداد ماه از شبکه سوم با حضور عزت‌الله ضرغامی رئیس صدا و سیما پخش شد، در مجموع ۹ مورد سانسور قابل بازشناسی بود. به عنوان مثال در این بازی، تلویزیون ایران حتی از پخش نماهای دور از تماشاگران مکزیکی نیز خودداری کرد و در عوض نماهایی از تماشاگران ایرانی یا صحنه‌های تکرار گل را به جای آنها پخش کرد که در پخش زنده آن توسط تلویزیون فیفا (پخش تلویزیونی این بازی‌ها در انحصار فیفا است که توسط چند کمپانی آلمانی صورت می‌گیرد) وجود نداشت. پخش مسابقه دو تیم در نیمه اول با هشت دقیقه تاخیر و پس از قطع و وصل صدای گزارشگر حاضر در قسمت خبرنگاران در استادیوم آغاز شد. در نیمه دوم نیز پخش مسابقه با تاخیری در حدود دو دقیقه آغاز شد و در پایان، پس از تکرار نمایش گل‌های بازی، بلافاصله به اتمام رسید. برای مقایسه، اگر زمان پخش زنده این مسابقه فوتبال از سیمای جمهوری اسلامی و تلویزیون آلمانی زبان سوئیس (SF Zwei) را مقایسه کنیم، سیمای جمهوری اسلامی نود و پنج دقیقه (زمان کل بازی ۹۲ دقیقه) و تلویزیون سوئیس صد و پنج دقیقه (۱۰ دقیقه بیشتر) از مسابقه (و حواشی آن) را پخش کرده‌اند. به علاوه سیمای جمهوری اسلامی حدود یک دقیقه و سی ثانیه در پخش زنده این مسابقه تاخیر داشت. به این ترتیب، در مجموع «نه دقیقه و چهارده ثانیه» یعنی حدود ۱۰ درصد از زمان پخش تلویزیونی بازی از سوی تلویزیون ایران دچار سانسور شد. صحنه‌های شادی هواداران تیم رقیب حضور زنان در استادیوم از جمله صحنه‌های سانسور شده این بازی بودند.